

Editor's Note: Should the Recognition of Compensable Harm Be Broad or Restrictive?



Abbas Mirshakari

Associate Professor of Department of Private and Islamic Law, Faculty of Law & Political Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
mirshakariabbas1@ut.ac.ir



IranThis editorial examines whether the law of civil liability should adopt a generous or restrictive approach to recognizing compensable harm. An excessive expansion of recoverable loss may impose unjustified costs on lawful activities and encourage overcautious behavior; excessive restriction, however, may deny effective protection to injured persons and leave genuine, emerging harms without a legal remedy. The appropriate approach lies in maintaining a principled balance between protection of victims and the preservation of freedom of action and legal certainty. Contemporary social and economic developments have made this balance increasingly difficult to achieve. Complex professional activities, new forms of risk, and changing understandings of harm require renewed attention not only to the identification of wrongful conduct,

Journal of Research and Development
in Civil Liability Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring & Summer 2026

(Editor's Note)

www.jcil.illrc.ac.ir

doi:

10.22034/jcil.2026.741679

but also to the questions of what constitutes legally recognizable loss, who should bear the burden of compensation, and how far compensation should extend. The articles in this inaugural issue address these concerns through topics such as recoverable benefits following rights infringement, fear of future illness, loss of profit, medical liability, professional duties in complex contracts, and the boundaries of contractual and extra-contractual responsibility.

The issue also explores foundational questions concerning causation, authorization, the relationship between obligation and compensation, and the interaction of direct and indirect causes of harm. Its studies of compensation for wrongfully convicted persons and state liability for delayed payment further demonstrate that civil liability extends beyond private relationships. Taken together, these contributions invite a continuing reassessment of civil liability: one that remains open to real and novel injuries while ensuring that the boundaries of responsibility remain grounded in legal principle, fairness, and social practicality.



یادداشت سردبیر: در پذیرش زیان قابل مطالبه باید آسان گرفت یا سخت؟

عباس میرشکاری 

دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

mirshekariabbas1@ut.ac.ir

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در
حقوق مسئولیت مدنی

پژوهش‌های حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۵

(یادداشت سردبیر)

www.jcil.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jcil.2026.741679

گسترش بی‌اندازه قلمرو زیان‌های قابل جبران، تنها دامنه مسئولیت را وسیع نمی‌کند؛ بلکه می‌تواند با تحمیل هزینه بر فعالیت‌های مشروع، به احتیاط مفرط و محافظه‌کاری بیش از اندازه بینجامد. در سوی دیگر، سخت‌گیری در شناسایی زیان و محدودکردن بیش از حد قلمرو جبران، ممکن است حقوق را از حمایت مؤثر از زیان‌دیدگان بازدارد و زیان‌های واقعی و نوپدید را بدون پاسخ حقوقی باقی بگذارد. به تعبیر سعدی، «خشم بیش از حد گرفتن وحشت‌آرد و لطف بی‌وقت هیبت ببرد» (گلستان، باب هشتم، حکمت ۱۸). این سخن، اگرچه در زمینه آداب معاشرت بیان شده، در حوزه مسئولیت مدنی نیز یادآور اهمیت تناسب و پرهیز از افراط در واکنش حقوقی است. مسئله اساسی حقوق مسئولیت مدنی، بنابراین، نه آسان‌گیری مطلق در پذیرش زیان است و نه سخت‌گیری مطلق؛ بلکه امر بین‌المرین و یافتن معیاری است که از یک سو امکان حمایت از زیان‌های شایسته جبران را فراهم آورد و از سوی دیگر، از گسترش بی‌ضابطه مسئولیت و تحمیل احتیاط‌های ناموجه بر رفتارهای اجتماعی جلوگیری کند.

مرز مسئولیت مدنی در همین نقطه ترسیم می‌شود: جایی میان ضرورت حمایت از زیان‌دیده و ضرورت حفظ آزادی عمل و امنیت حقوقی دیگران.

این مسئله در روزگار کنونی اهمیت بیشتری یافته است. تحول روابط اجتماعی و اقتصادی، گسترش فعالیت‌های پیچیده حرفه‌ای، ظهور خطرهای جدید و دگرگونی برداشت ما از مفهوم زیان، بسیاری از مفاهیم تثبیت‌شده مسئولیت مدنی را با پرسش‌های تازه‌ای مواجه کرده است. مسئله، دیگر صرفاً این نیست که چه کسی مرتکب فعل زیان‌بار شده است؛ بلکه باید پرسید چه چیزی زیان محسوب می‌شود، کدام زیان شایسته جبران است، مسئولیت جبران آن بر عهده چه کسی قرار می‌گیرد و جبران خسارت تا کجا باید ادامه یابد؟

در سطح مبانی نیز مقالاتی از این شماره به پرسش‌های بنیادی‌تر پرداخته‌اند؛ از بحث درباره وحدت مسئولیت مدنی و آثار نسخ ضمنی ماده ۲۲۱ قانون مدنی، تا تحلیل رابطه انتفاع مأذون و مسئولیت مدنی و بررسی تحولات مسئولیت در فرض اجتماع مباشر و سبب. این مباحث نشان می‌دهند که توسعه حقوق مسئولیت مدنی صرفاً با آزمودن مصادیق جدید با قواعد موجود حاصل نمی‌شود؛ بلکه گاه خود مفاهیم بنیادین، مانند سبب، مسئولیت، اذن و رابطه میان تعهد و جبران، نیازمند بازاندیشی، بازخوانی و ارزیابی دوباره‌اند.

سرانجام، دو پژوهش این شماره، مسئله مسئولیت و جبران خسارت را در قلمرو دولت و نظام عدالت کیفری دنبال می‌کنند: بررسی جبران خسارت محکومان بی‌گناه و تحلیل مسئولیت مدنی دولت در پرداخت خسارت تأخیر تأدیه ناشی از وجوه مازاد دریافتی از اشخاص. این دو موضوع نیز به‌روشنی نشان می‌دهند که بحث مسئولیت مدنی به روابط خصوصی اشخاص محدود نمی‌ماند و هر جا قدرت، تصمیم، خطر یا خطا موجب ورود زیان شود، پرسش از مبنای مسئولیت و حدود جبران بار دیگر مطرح خواهد شد.

وجه مشترک این پژوهش‌ها را شاید بتوان در یک پرسش خلاصه کرد: چگونه می‌توان در ب‌های حقوق را به روی زیان‌های واقعی و نو گشود، بی‌آنکه مرزهای مسئولیت مدنی چنان توسعه یابد که از معیارهای حقوقی و عدالت فاصله بگیرد؟ پاسخ به این پرسش، نه در پذیرش بی‌قید و شرط هر ادعای زیان و نه در اصرار بر حفظ درک قدیم از مفاهیم گذشته، بلکه در بازاندیشی مستمر در مفاهیم، نقد مبانی موجود و سنجش کارآمدی قواعد در مواجهه با مسائل واقعی جامعه نهفته است.